



# مذاکرات صلح در افق روانشناسی سیاسی

بهرتر باشد از یک عابر مسیر را بپرسید.  
تا مطمئن شوید، کم هستند کسانی که  
پیشنهاده شما را بپذیرند. دومین اشتباه  
انسان‌ها خطایمان به اولین شواهد  
است. انگاشتن آنکه سیاست‌گذاران بهتر  
قضاوت سیاسی می‌کنند، قابل فهم  
است، اما ممکن است که قابل اثبات  
نباشد.

**■ رمزگشایی از روایات یک دیکتاتور**  
از این جا به یک وضعیت حقیقی  
نقб می‌زنیم. به علاوه، می‌خواهم خیلی  
کوتاه بگویم درباره روان‌شناسی سیاسی  
خاور پرز دو کوبیار و صدام بنوسی.

روانشناسی سیاسی مطالعه آن دسته از فرایندهای ذهنی است که زمینه‌ای برای قضاوت‌های سیاسی و تصمیم‌گیری است. روانشناسی ذهنی متعدد بوده و اکنون چارچوب عمومی برای تلفیق یا ترکیب آنها پیدا شده است. روانشناسی سیاسی می‌تواند یا باید بر آن دسته از فعالیت‌های ذهنی متمرکز شود که قابل اجرا بوده و در زمره وظایف سیاسی مردم باشند. نکته مهم در این بین آن است که دشواری که مورد تهدید قرار می‌گیرد، اگر از قبل با چشمان باز رفتار نشود، رقیب را رصد کرده یا به فرآیند سیگنال‌های ضعیف عکس‌العمل نشان ندهد، یکباره با وضعیتی غیرقابل اتکاب روبه‌رو شده و چاره‌ای جز رویارویی با آن خود نمی‌بیند. این نکته را هم در نظر داشته باشیم که اتفاقات در پهنه سیاسی و بخصوص در میان کشورها هرچه به صورت تدریجی حادث می‌شوند، ولی رفتن به وضعیت بحران می‌تواند در چند روز یا در چند ساعت اتفاق بیفتد.

بنابراین تصمیم‌گیری سیاسی در چنین مواقعی همیشه با کمبود زمان یا نیاز مواجه است. در کشورها، برنامه‌ریزی‌های نظامی و سیاسی متمرکز و به‌عبارتی در رژیم‌های تمامیت‌خواه، عوامل تصمیم‌گیری را تسهیل هستند و عمدتاً در چارچوب سوادشناسی دیکتاتور می‌توان آن را بررسی کرد. اما در کشورهایی متفکّر، حتی آنها که از نظام‌های کارآ برخوردار نیستند، آیا مقامات منتخب و دیگر فعالان سیاسی همان اشتباهاتی را در تصمیم‌گیری با کوتاهی زمان انجام می‌دهند که مردم عادی؟ عموماً انسان‌ها در زمان تصمیم‌گیری اعتماد به نفس بیش از حد دارند. نمونه آنکه در خودرو نشسته‌ایم و به طرف مقصد می‌رویم. راننده با تردید در مسیر جلو می‌رود. شما پیشنهاد می‌کنید که شاید

یکطرفه آن را پاره کرد و در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، به صورت وسیع و همه جانبه به خاک ایران حمله کرد.

در هنگام حمله عراق به ایران، فضای بین‌المللی خیلی موافق ایران نبود. مجاری گروگانگیری سفارت امریکایی و اسارت ۵۲ دیپلمات امریکایی بمدت ۴۴۴ روز، فضای روابط ایران و امریکا را به بدترین وضعیت خود نشانده بود.

رابطه ایران با دیگر کشورهای غربی همچنین با اتحاد شوروی در این مقطع چندان خوب نبود که این وضعیت قناتان ایران و این کشورها و در معادلات جنگ و در تصمیمات شورای امنیت تأثیر می‌گذاشت. رابطه عراق با شوروی و کشورهای غربی خوب بود و در سال‌های میانی جنگ رابطه عراق با امریکا نیز بتدریج بهبود یافت. در قضیه گروگانگیری دیپلمات‌های امریکایی در ایران، مسئولان امریکایی قسم یاد کردند که با انتقام خود از ایران بگیرند. امریکا در آن زمان نفوذ زیادی در شورای امنیت داشت و جنگ عراق با ایران نیز فرصت مناسبی برای تلاقی امریکا ایجاد کرد.

پس از حمله عراق به ایران، توقع این بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد صلح و وظیفه ذاتی خود مبني بر حفظ صلح و رفع تجاوز به این مساله سریععا بپردازد. شورای امنیت در تصمیمات متخذه خود و قطعنامه‌های صادره، برخورد اصولی با جنگ و تجاوزات نکرد و حتی تا مدت‌ها که در میانه‌های میانی دهه ۸۰ میلادی هزاران کیلومتر از سرزمین ایران مسخر بود، دست‌خاسته عقب نشینی آنها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی نشد. همچنین شور در عراق هشت سال جنگ هیچگاه از عراق به عنوان آغاز جنگ متجاوزان متجاوزان و به نفع ایران به رسمیت شناخته نشد.

**تظاهر به صلح از سوی جنگ طلب**  
جنگ طولانی ایران و عراق با آتش بس دو جانبه مابین دو کشور به لحاظ نظامی در مرداد ۱۳۶۷ به پذیرش پرس از کش و قوس‌های فراوان مذاکراتی و عدم تمایل عراق به انجام مذاکرات سه جانبه دیگرکل ملل متحد را واداشت تا در جلسه مذاکرات سه جانبه در سوم اردیبهشت ۱۳۶۸ در ژنو، سویس به شکست مذاکرات اعتراف کند. در مذاکرات ۱۳۶۸، صدام پیشنهاد کرد که هر دو کشور مستقیماً بین ایران و عراق شروع شود. ایران این پیشنهاد را رد کرد.

در اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای از سوزو صدام و یاسر عرفات خطاب به آیت‌الله خمایه و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فرستاد. به تهران رسید. آیت‌الله هاشمی پاسخ این نامه را داد. در مجموع ۱۲ نامه در این روند تبادل شد. نهایتاً در مرداد ۱۳۶۹ نیروهای عراقی رسماً از خاک ایران عقب‌نشینی کردند. در حالی که در همان ماه، صدام حمله خود را به کویت آغاز کرده بود.

شورای امنیت ملل متحد از آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق تا زمان پذیرش قطعنامه در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۲۷ تیر ۱۳۶۷) در مجموع ۹ قطعنامه و همچنین ۱۸ بیانیه برای این جنگ ایران و عراق صادر کرد.

در مجموع قطعنامه‌های صادر شده درباره جنگ ایران و عراق به ۴۰ و ۳۹، ۲، ۴۴ و ۴۵ بار بدون استناد شده است. اینها با تأیید فصل هفتم منشور ملل متحد استناد دارند. عراق فاقد صلاحیت لازم برای نگهداری از صلح و امنیت بین‌المللی می‌دانست. ادعای ایران با توجه به شواهد موجود در قطعنامه‌های صادر شده شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق قابل تأیید است. برای نمونه هر چند شورای امنیت به صورت تلویحی یا مستقیم وضعیت بین ایران و عراق را با دلیل به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی دانست - «طبقه که در قطعنامه ۵۹۸ به ذکر شد» - در مخاصمه بین ایران و عراق نقض صلح حاصل شده به ساحت بین‌المللی آن تأکید شد. اما این شورا هرگز اقدامی برای تعیین و تنبیه مجاز انجام نداد. ماهی پس از آتش بس، نیروهای عراقی همچنان در قسمت‌هایی از خاک ایران حضور داشتند و ولی شورای امنیت بدون اینکه به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره کند طرف در درگیری صلح می‌خواست که مذاکره با ۵۹۹ قطعنامه اجرا در آورند. این در حالی بود که گروه‌های نظارت سازمان ملل (یونیمک) نیز در منطقه حاضر بود و وزارت امور خارجه ایران در گزارش‌های متعدد خود به طوطی‌مرتب تخلفات عراق را به اطلاع این سازمان و شخص دبیر کل می‌رساند تا اینکه با تغییر سیاست‌های منطقه‌ای عراق و بعد از اشغال کویت توسط صدام، او در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ نامه‌ای به رئیس‌جمهوری ایران قرائت

مطالعه  
شخصیت و  
سیاست از  
قدیمی ترین  
و مهم ترین  
موضوعات  
مورد توجه بوده  
است چرا که  
تحلیل گران  
سیاست خارجی  
همواره علاقه مند  
به فهم این  
مسأله بودند که  
رهبان کشورها  
چگونه جهان را  
می نگرند، چه  
چیزی به آنها  
انگیزه می دهد و  
چگونه تصمیم  
می گیرند.  
روان شناسی  
سیاسی می تواند  
باعث درک این  
امور و تصمیم  
گیری افراد شود

داد ۱۹۷۵ الجزایر را مجدداً پذیرفت و در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ یعنی دو سال پس از آغاز حالت آتش بس، از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی کرد و شروع به آزادی اسرا نمود.

**دیپلمات ادیب در میدان صلح**  
 اما در این میان یک بازیگر تلاش داشت که با استفاده از اصل انصاف در حقوق الملل، صدای ایران را نیز بشنود. خاور پر دوکوشیار، مؤلف ۱۹۲۰، در شهر لیما در پرو، در ۱۹۲۶ استخدام وزارت خارجه پرو درآمد. سابقه آوری بلندی در کار با دبیرخانه ملل متحد داشت. در ۱۹۲۹ معاون دبیرکل ملل متحد در امور سیاسی شد و نهایتاً در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۱ به عنوان دبیرکل ملل متحد انتخاب گردید.

در دوران دبیرکلی او مباحثات و سخنرانی‌های متعددی در جریان روی داد. از جمله شکاف بین امریکا و شوروی، مسأله افغانستان، قریب، لبنان و ایران، جنگ ایران و عراق، با خروج نیروهای شوروی از خاک افغانستان یک پرده از بحران افغانستان در ۱۹۸۸ پایان یافت. دوگونیاز علاقه خاصی به موزیک، ادبیات، داستان‌های خورخه بولویس، بورخس از آرژانتین و گابریل گارسیا مارکز از کلمبیا داشت. به تعبیر یکی از دبیرکلی‌ها، او با خود نگه‌اشی ادبی، فلسفی به سازمان‌ها خواهد آورد. او برای حل بحران‌ها، علاوه بر مسیر نامه نگاری دبیرخانه با کشورها، از ظرفیت‌های شخصی خود نیز استفاده می‌کرد. او معتقد بود روابط شخصی در تسهیل گفت‌وگوها و تبادل نظر با بسیاری از اشخاص است. دبیرکل بر غیررسمی بودن فرآیند حل مناقشه تأکید کرده و می‌گفت: «دبیرکلی‌ها هنگام انجام مذاکرات غیررسمی از نشستن پشت میزهای تشریفاتی با رومیزی‌های سبزرنگ خودداری کرده در صندلی‌های کنار میز قهوه می‌نشینند. دبیرکلی‌ها در چنین مواقعی لحن گفت‌وگو دارند و با اعلام مواضع آزمایشی خود امتیاز داده می‌گیرند.»

گزارش بسیار مهم خاویز پرز دوگونیاز که یکی از آخرین اقدامات او در مقام دبیرکلی سازمان ملل در ۱۹۹۲ بود، بسیار گویاست. یافته اصلی دبیرکل این بود که توسل عراق به زور در برابر ایران در ۱۹۸۰ شایسته همان تقبیح حقوقی است که در مورد تجاوز عراق به کویت ابراز شده است. این یافته بسیار حائز اهمیت می‌باشد. حتی اگر عراق و ایران در چندین دویار به تهران و بغداد سفر کرد. چندین بار نمایندگانش اولا ف پالمه را در مورد آزادی‌سازی ۶۳ کشتی عراق گرفتار شده در رود رود و نیز آزادسازی تعدادی از اسیران جنگی برای مذاکره با مقامات دو کشور به منطقه فرستاد. ۷ بار هیأت‌هایی را برای بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی با بازدید از اردوگاه‌های اسیران جنگی به منطقه اعزام کرد و دو طرح مهم (۸ ماده‌ای) و طرح اجرایی دبیرکل برای اجرای ۵۹۸) را در حل و فصل جنگ ایران و عراق ارائه داد.

دبیرکل پیش از تصویب قطعنامه ۵۹۸ دبیرش آن از سوی ایران بره شدت فعالیت‌های خود افزود و هم با

مستولان وزارت خارجه ايران و هم با مقامات مستولان وزارت امور خارجه عراق سه بار ملاقات و گفت‌وگو كرد. ۴ بار با اعضاي دائم شورا، يگبار با اعضاي غيردائم، دو بار با نماينده دائم ايران و ۵ بار با نماينده دائم عراق در سازمان ملل ديدار و گفت‌وگو كرد. در مجموع قطعه‌نامه‌هاي صادر شده در جنگ ايران و عراق ۲۳ بار از ديپركل ياد شده و تنها در ۳ قطعه‌نامه ۵،۹۸۸، ۶ بار از ديپركل ياد شده است.

**زمان در حکم سلاح**

به صدام بازگردیم. صدام در ۱۳۶۷، سپس از پذیرفتن آتش بس، حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران را در دست می‌داد و ادعا می‌کرد که تمام شط العرب از آن آن است. او معتقد بود که تا ایران به شناسایی حق عراق نرسد، تمام شط العرب اختلاف کند، به مرزهای بین‌المللی برخورد افتد و تبادل اسیران آغاز نخواهد شد. این نشان دهنده تمایلات عمیق غریزی وی به قدرت و حفظ آن بود. وجه مشخصه دیگر صدام صبر او بود. او زمان را در حکم یک اسلحه به کار می‌برد و دشمن خود را در دارمخت به زانو درمی‌آورد. برخلاف داعی، او خوشی که فکر می‌کرد جهاندیده است، از خاورمیانه چند روز دور بود؛ یکبار در ۱۹۷۲ به مسکو و دو روز در ۱۹۷۵ به پاریس سفر کرد. به همین علت، برداشت از او غرب و شرق کامل نبود و ادعا می‌کرد که غربی‌ها تنها به منافع اقتصادی کوتاه مدت می‌اندیشند. بعدها معلوم شد که صدام از افسران ارشد و مردم عراق می‌ترسید و برای جلوگیری از این ترس اقدام می‌کرد. سپس از جنگ کویت، مشخص شد که اکثر افسران صدام از ترس بوده‌اند. ترس از اینکه مبدا مجدداً مانند دوره اول سلطه در دیگران محروم سازند. و ندرت در صدام در مسأله‌ای بین دشمن و منطق‌های، یا بین المللی با بازیگران دیگر همکاری می‌کرد. در نتیجه، همه، حتی مخالفان جنگ آمریکا به عراق، این نتیجه رسیده بودند که امتناع او از همکاری کامل با سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که درصد ساخت دیگرمشاورت شش‌تار جمعی است. از طرف دیگر، محاسبات او در چارچوب نظریه بازی کاملاً اشتباه بود. صدام معتقد بود که ایالات متحده آمریکا از بیماری مزمن ویتنام رنج می‌برد و هرگونه خالت جانی به درج جنگ دیگر، که باعث خسارات جانی به مردم آمریکا شود، باعث اعتراضات عظیم در جامعه آمریکا و سرنگون کردن دولت آمریکا خواهد شد. مطالعه شخصیت و سیاست از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات مورد توجه دولت است چرا که تحلیل‌گران سیاست خارجی همواره علاقه‌مند به فهم این مسأله بودند که رهبران کشورها چگونه جهان را می‌نگرند، چه چیزها به آنها انگیزه می‌دهد و چگونه تصمیم می‌گیرند. او نشان‌های سیاسی می‌تواند باعث درک این امور و تصمیم‌گیری افراد شود. می‌توان گفت دیدگاه او از نشان‌های سیاسی بیشتر از هر رشته دیگری می‌تواند در روابط بین الملل مؤثر واقع شود.